



شناسایی و بررسی روش‌های برنامه‌ریزی درسی و روش‌های تدریس نوین

عزت خواه، طاهره^۱، درخشان، رضوان^۲

۱- آموزگار دبستان شهدای پتروشیمی ۲، جم، بوشهر، ایران ezatkhah@yahoo.com

۲- آموزگار دبستان شهدای پتروشیمی ۲، جم، بوشهر، ایران Rezvan.derakhshan87@gmail.com

چکیده

امروزه در عصری به سر می‌بریم که زندگی انسان و محیط پیرامون او در ابعاد گوناگون، با سرعتی فزاینده در حال تغییر است. برخورد جوامع بشری با مسائل ناهمگون و بی‌شمار، آن‌ها را نیازمند به یافتن راه‌حل‌های مطلوب کرده است. به عبارت دیگر، برای خوب زیستن در چنین عصر و زمانی، داشتن توانایی‌های بالفعلی چون انتخاب، استدلال، تصمیم‌گیری و حل مسئله از ضروریات است. ایجاد چنین توانایی‌هایی، تنها از طریق شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق میسر خواهد شد. در کشور ما، نظام آموزشی با سیستم و روش‌های سنتی موجود نمی‌تواند پاسخ درخور به مسائل حاضر بدهد. شیوه‌های نوین تدریس یک نوع نوآوری در عرصه آموزش و پرورش است که دبیران با استفاده از آن می‌توانند کیفیت تدریس خویش و همچنین سطح پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقاء داده و بدین ترتیب در تسریع و پیشبرد اهداف آموزش و پرورش یاری نمایند. تدریس یکی ابزارهای مهم یادگیری است که با به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس می‌توان یادگیری را تسهیل نمود. البته هیچ‌یک از روش‌های تدریس فی‌نفسه خوب نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آن‌هاست که باعث قوت یا ضعفشان می‌شود. لذا معلم باید با توجه به هدف‌های آموزشی، محتوای تدریس، نیازها و علایق دانش‌آموزان، امکانات موجود (زمان، فضا، وسایل و...)، تراکم دانش‌آموزی و... مناسب‌ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب کند.

واژه‌های کلیدی

روش‌های برنامه‌ریزی، تدریس نوین، آموزش



۱. متن مقاله

نقش مهم آموزش و پرورش، افزایش ظرفیت دانش‌آموزان برای رشد و نمو فردی، اجتماعی و یادگیری درسی است. ایجاد بینش‌های جدید در معلمان اهمیت والایی دارد. یکی از شاخص‌هایی که در یادگیری فرد تأثیر زیادی دارد، روش تدریس است [۲۴]. نقش مهم آموزش و پرورش، افزایش ظرفیت دانش‌آموزان برای رشد و نمو فردی، اجتماعی و یادگیری درسی است و امروزه، آموزش و پرورش بیش از هر زمان دیگری به بازنگری شیوه‌های تدریس نیاز دارد و فشاری که نحوه درست یادگیری بر مدیران و معلمان مدارس، اساتید حوزه و دانشگاه و مراکز آموزشی دیگر وارد آورده، چشمگیر است. ایجاد بینش‌های جدید در معلمان، نسبت به امور آموزشی و تربیتی بیش از دانش‌افزایی آن‌ها اهمیت دارد؛ چرا که معلمان بیش از انتقال دانش، نقش هدایت و رهبری فراگیران را به عهده دارند. معلمی، از جمله اموری است که نقش بسیار مهمی را در زندگی بشر ایفا می‌کند. معلم، با تأثیر همه‌جانبه بر روی فراگیران، مسیر زندگی آنان را جهت‌دهی می‌نماید. از معلمان خواسته می‌شود همه دانش‌آموزان را به استانداردهای پیشرفت بالای تحصیلی ارتقاء بخشند و معلم خوب و شایسته علاوه برداشتن دانش کافی از رشته خود، به‌طور مستمر خود را در جریان آخرین تحولات تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. از آنجاکه هیچ فردی همچون معلم نمی‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد؛ جامعه، دولت و به‌ویژه آموزش و پرورش نیز باید به این اطمینان برسند که اگر پرورش شهروندانی شایسته می‌خواهند؛ باید به معلم رجوع نمایند. تدریس کار ساده‌ای نیست و به کار بردن روش تدریس، یک هنرمندی قوی نیاز دارد و همچنین معلمی کار هر کس نیست. این‌گونه نیست که همگان خود را معلم دانسته و تدریس را امری ساده و پیش پا افتاده که هر کس قادر است آن را انجام دهد، بپندارند. مسئله‌ای که مدت‌هاست برخی مدارس آموزش و پرورش دچار آن شده‌اند به‌کارگیری نیروهای غیرمتخصص است که جای تأمل دارد. بیشتر توجهات به این مسئله معطوف می‌شود که چه موضوعی آموزش داده شود؛ اما اینکه چگونه آموزش دهد، کمتر توجه شده است؛ در صورتی که یکی از شاخص‌هایی که در یادگیری فرد تأثیر زیادی دارد، روش تدریس است [۲۴].

۲. نظام آموزش و پرورش ایران و تصمیم‌گیری متمرکز

نظام آموزش و پرورش ایران به‌طور اعم و نظام برنامه‌ریزی درسی به‌طور اخص، به شیوه‌ی تصمیم‌گیری متمرکز اداره می‌شود. از این‌رو، برنامه‌های درسی به‌صورت کاملاً از پیش تعریف‌شده و به شکل کتاب درسی، امکان هرگونه دخل و تصرف را از معلم و دانش‌آموز سلب می‌کند [۲۸]. تمرکززدایی در نظام آموزشی و برنامه‌ریزی درسی یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها در زمینه‌ی برنامه‌ریزی درسی، موضوع تمرکز و عدم تمرکز است. در سال‌های اخیر، گرایش به تمرکززدایی و تفویض اختیار بیشتر به مدارس در نظام آموزش و پرورش عمومی، با هدف بهبود کیفیت آموزش و پرورش افزایش یافته است [۳۴]. به اعتقاد فولنو و واتسون (۱۹۹۹) تمرکززدایی در آموزش و پرورش یک پدیده‌ی جهانی و از مسائل آموزش و پرورش است [۳۰]. معتقدند، تمرکززدایی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که در طول پانزده سال اخیر، تأثیرهای قابل ملاحظه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی گذاشته است. سؤال‌هایی از قبیل که چه کسی باید واقعاً راجع به تحصیل در آموزش عمومی تصمیم‌گیری کند، موضوع بحث‌های داغ است. ولش و مکگین، در عین این‌که کنار گذاشتن تمام اشکال برنامه‌ریزی متمرکز را مردود می‌شمارند، تأکید دارند که در شرایط فعلی، در بسیاری از کشورها، میل به تمرکززدایی به‌عنوان حقیقت اجتناب‌ناپذیر مورد توجه است. به‌طوری‌که، در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پیشرفت تحصیلی نامطلوب دانش‌آموزان، جدایی روزافزون معلم و دانش‌آموز در جریان یاددهی - یادگیری و عدم پاسخگویی برنامه‌ها به نیازهای یادگیرندگان موجب شد، که توجه به تمرکززدایی در برنامه‌های درسی بیش از هر زمان دیگر، در دستور کار دست‌اندرکاران نظام آموزشی قرار بگیرد [۱]. بدین ترتیب، تمرکززدایی به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های مواجهه با مشکلات کنونی در نظام‌های آموزشی مورد توجه مسئولان آموزش و پرورش بوده و در تمرکززدایی از نظام آموزشی، توجه به انواع عدم تمرکز یک ضرورت است.

۳. بررسی وضعیت برنامه‌ریزی درسی در سیستم آموزش و پرورش ابتدایی ایران

در همه نظام‌های آموزش و پرورش جهان، مهم‌ترین دوره تحصیلی، دوره ابتدایی است. زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد بیشتر در این دوره، انجام می‌گیرد. در ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر نیز از دوره ابتدایی به‌عنوان یک حق یاد شده است. لذا مطالعه ابعاد مختلف این دوره تحصیلی همواره از اهمیت بسیار برخوردار بوده است. یکی از ابعاد اساسی نظام آموزش و پرورش ابتدایی، موضوع برنامه



ریزی درسی و برنامه درسی این دوره است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که در سیستم آموزش و پرورش ایران، به این بعد از دوره آموزش ابتدایی، با وجود اهمیت آن، کمتر توجه شده است. در بررسی پیشینه پژوهشی مربوط به ماهیت برنامه‌ریزی درسی در ایران، مستندات جامع کمتر ملاحظه شد. مثلاً مهر محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحلیلی، ابتدا به مهاجرت تاریخی مباحث مربوط به رشته برنامه درسی می‌پردازد و نیاز به جبران این کاستی را گوشزد می‌کند، ضمن اینکه معتقد است که این کاستی اختصاص به ایران ندارد و بیش و کم، وجه جهانی دارد. با وجود این، می‌توان اشاره کرد به بعضی پژوهش‌هایی که به جنبه‌هایی از ماهیت برنامه‌های درسی ایران پرداخته‌اند. مثلاً تقی پورکلور (۱۳۸۰) در تحقیق خود به شناسایی رویکرد غالب برنامه درسی معلمان مدارس ابتدایی پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رویکرد غالب برنامه درسی از دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی با توجه سه عنصر برنامه درسی (هدف، روش تدریس و ارزشیابی)، دیدگاه رفتارگرایی ارزیابی شده و میزان به‌کارگیری رویکردهای برنامه درسی در فرایند یاددهی - یادگیری به ترتیب دیدگاه رفتارگرایی، دیدگاه فرایند شناختی و دیدگاه انسان‌گرایی تعیین شده است. همچنین میان نظرات افراد در زمینه رویکرد غالب برحسب متغیرهایی همچون جنسیت و مدرک تحصیلی تفاوت معنادار وجود داشت، اما میان متغیرهایی همچون پایه‌های تحصیلی، رشته تحصیلی و سابقه کار تفاوت معنادار وجود نداشت. موسی پور (۱۳۸۲) در مطالعه مروری خود گزارش کرده است که از زمان شکل‌گیری آموزش‌های جدید و قانونمند در ایران (۱۲۸۸) هیچ‌گاه برنامه آموزش ابتدایی خالی از هدف‌های آموزش دینی نبوده است. همچنین یزدانی و حسنی (۱۳۹۰) معتقدند که در مجموع در نظام برنامه درسی آموزش ابتدایی ایران توجه متعادلی به حیطه‌های سه‌گانه یادگیری نشده و اهداف تدوین‌شده در حوزه شناختی و مهارتی است. قاسم پور مقدم (۱۳۸۷) با بررسی مبانی فلسفی، روان‌شناختی و زبان‌شناختی برنامه درسی، دیدگاه‌ها، رویکردها و روش‌های برنامه درسی ابتدایی گزارش می‌کند که در سیستم برنامه درسی ایران، در حوزه فلسفی، دیدگاه‌هایی مانند ایده آلیسم، رئالیسم و رویکردهایی مانند اساس‌گرایی، پایدارگرایی و روش‌هایی مانند سخنرانی و حل مسئله و در حوزه روان‌شناختی دیدگاه تجربه‌گرایی و خردگرایی و رویکردهای رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و انسان‌گرایی و روش‌هایی مانند استقرایی و مشارکت گروهی و در حوزه زبان‌شناختی دیدگاه ساختاری، گشتاری و ارتباطی و رویکردهایی مانند کلی، تحلیلی، ترکیبی، زبان‌شناختی و ... و روش‌هایی مثل کل بنیاد، جزء بنیاد، مستقیم و ارتباطی دیده می‌شود.

در مجموع به نظر می‌رسد، امروزه برنامه‌ریزی درسی در ایران از یک‌سو با چالش‌های جهانی و از سوی دیگر با چالش‌های درونی خود نظام آموزش و پرورش مواجه است. هم‌زمان با این چالش‌های نظری، آموزش ابتدایی کشور ایران در دهه‌های اخیر تحولات جمعیت‌شناختی قابل توجهی را نیز پشت سر گذاشته است [۲۹].

۴. برنامه تعلیم و تربیت

امروزه در عصری به سر می‌بریم که زندگی انسان و محیط پیرامون او در ابعاد گوناگون، با سرعتی فزاینده در حال تغییر است. برخورد جوامع بشری با مسائل ناهمگون و بی‌شمار، آن‌ها را نیازمند به یافتن راه‌حل‌های مطلوب کرده است. به عبارت دیگر، برای خوب زیستن در چنین عصر و زمانی، داشتن توانایی‌های بالفعلی چون انتخاب، استدلال، تصمیم‌گیری و حل مسئله از ضروریات است. ایجاد چنین توانایی‌هایی، تنها از طریق شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق میسر خواهد شد. در کشور ما، نظام آموزشی با سیستم و روش‌های سنتی موجود نمی‌تواند پاسخ درخور به مسائل حاضر بدهد. درحالی‌که در چنین عصری، آموزش باید بتواند افراد را برای پاسخگویی به مسائلی که با آن روبرو می‌شود، آماده سازد. جوانان ما باید برای برخورد با تحولات و تغییرات سریعی که به وقوع می‌پیوندد، آماده شوند. در دورانی که تغییرات فناورانه و اجتماعی در دنیا به شدت از برنامه‌های آموزشی کنونی ما پیشی گرفته است، باید تحول و دگرگونی در نظام آموزشی کشور خود را بپذیریم. اگر نتوانیم در این نظام و روش‌های آن تغییراتی پدیدآوریم، مشمول کهنگی خواهیم شد و این کهنه شدن ما را از تولید، پدید آوردن و خلق کردن باز خواهد داشت [۳۱]. برای اجرای برنامه تعلیم و تربیت باید از اصولی عملی که اصول راهنما شمرده می‌شوند بهره گرفت؛ اصولی ثابت که هر امر آموزشی و تربیتی باید مبتنی بر آن اصول باشد. البته از آنجا که انسان‌ها متفاوت هستند؛ در برخورد با آن‌ها باید به تفاوت‌های فردی توجه شود. به روش‌های متغییر نیاز است که به‌وسیله آن روش‌ها بتوان به مطلوبیت لازم در ساماندهی برنامه تربیتی دست یافت و زمینه شکوفا شدن استعداد‌های انسان را مهیا ساخت [۱۱]. رعایت نکردن فاصله سنی و زمانی و اقتضات زمانی و بی‌توجهی به پیشرفت زمان و تغییر آداب و رسوم در امر آموزش فراگیران، ضررهای جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد [۱۱].



۱.۴. آموزش

آموزش از دیرباز به عنوان یکی از پایه‌های اصلی و عوامل تعیین کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است. اما طی سال‌های اخیر که پیشرفت‌های تکنولوژیکی و روش‌های نوین تولید، نظام‌های اقتصادی جهان را دگرگون ساخته و روابط بین آن‌ها را تغییر داده است، آموزش در فرایند توسعه نقش مهم‌تری یافته است. برای شکوفایی آموزش و پرورش، شناخت شیوه‌های نو و پیشرفته ضرورت دارد. اگر شیوه‌های تدریس و آموزش موجود را مورد تحلیل قرار دهیم، خواهیم دید که بسیاری از گنجینه‌های انسانی و استعدادها نهفته و ناشکفته‌ی او به سبب نقص شیوه‌های آموزش به هدر رفته است؛ چرا که استفاده از شیوه‌های فرسوده و متکی به حافظه و سخنوری دیگر کارساز نیست. باید با به کارگیری الگوهای پیشرفته، قدرت جستارگری علمی، تفکر تحلیلی را به صورتی که استدلالی، عقلانی، عملیاتی و ابزاری باشد گسترش داد تا موجب ابداع و نوآوری و خلاقیت بشود. الگوهایی که امروزه آن را با عنوان الگوهای جدید تدریس می‌شناسند و در اکثر نقاط دنیا به عنوان شیوه‌های مسلط در تدریس دبیران مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما در حال حاضر بیشتر دانش‌آموزان ما دارای ذهن خلاق و پرسشگری نیستند و یا می‌ترسند از معلم سوال بپرسند و حس رقابت جویی در بین دانش‌آموزان بیشتر برای کسب نمره است تا کسب یادگیری دانش، شیوه تدریس در کلاس یک طرفه است و فقط معلم صحبت کرده و دانش‌آموز نت‌برداری می‌کند و هیچ مشارکتی در نحوه تدریس به عمل نمی‌آید، با این شیوه تدریس معلومات دانش‌آموزان فقط در سطح حفظ مطالب باقی می‌ماند و دانش‌آموزان قادر به فهم و تجزیه و تحلیل مطالب نیستند. بنابراین می‌توان گفت که اکثر دبیران در نظام آموزشی کشور ما روالی را که از ابتدا بر شیوه‌های تدریس مدارس کشور حکم فرما بوده ادامه داده‌اند و تغییر چندانی در روش‌های مورد استفاده در تدریس خود به عمل نیاورده‌اند [۱۴].

۲.۴. روش

هر چیزی که به طور هدفمند یادگیری و رشد انسان را تسهیل کند، روش آموزشی نامیده می‌شود [۱۵].

۳.۴. تدریس

از مراحل مهم طراحی آموزش، انتخاب روش تدریس است. معلم باید خط‌مشی و روش مناسب تدریس خود را انتخاب نماید و به مجموعه تدابیر منظمی که برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ می‌شود، روش تدریس گویند. تدریس معادل عمل کردن و یادگیری معادل یادگرفتن است. باید تدریس منجر به یادگیری شود. کسب عادات درست یادگیری در سنین خردسالی و در سال‌های نخستین آموزشی شکل می‌گیرد و در طول حیات مفید انسان تقویت می‌شود. مهارت‌های شناختی درست مانند: گوش دادن، سخن گفتن، اندیشیدن، استدلال نمودن، قدرت تحلیل، طرح و حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خالق، و جست و جوگری از جمله عادات درست یادگیری است [۲۲]. تدریس، جریان به هم پیوسته و مرتبطی است که با طراحی شروع می‌شود و با اجرا و ارزشیابی خاتمه می‌یابد [۱۰]. روش تدریس باید به برقراری ارتباط عاطفی میان معلم و فراگیر کمک کند و در توزیع زمان به گام‌ها و مراحل، چنان دقیق باشد که در پایان درس نیز خاتمه یابد. روش تدریس باید انعطاف پذیر باشد؛ یعنی عوامل خارجی را که ممکن است پیدا شوند، در نظر بگیرد [۱۲]. روش‌های تدریس و یادگیری متداول در اکثر نظام‌های آموزشی بر گوش دادن و بیان لفظی و حفظ کردن مطالب درسی استوار است. به جای تبادل نظر و تفکر و بحث درباره امور و پدیده‌ها، معلم مطالب را بیان می‌کند و شاگردان گوش می‌کنند و سپس آن‌ها را تکرار می‌کنند [۳]. معلم، متون و امکانات آموزشی، جو حاکم بر محیط آموزشی، همه در رشد یا تخریب توانایی خالق فراگیران مؤثرند؛ اما در بین عوامل مختلف مؤثر، نقش معلم کامل کلیدی و حساس است [۲۳]. از ویژگی‌های معلم خوب و موفق، توانایی استفاده از شیوه‌های مناسب تدریس می‌باشد [۳]. بهترین معلم کسی است که دارای قابلیت خلق روش‌های تازه است و بهترین روش‌ها، روش‌های خاصی نیست؛ بلکه یک هنر است. هر معلمی باید تلاش کند و در خود قابلیت کشف روش‌های جدید را بیوراند [۲۶]. هدف تدریس، بارآوری اسفنج جذب سخنان معلم نیست؛ بلکه تداوم یادگیری پس از ترک است. تدریس اخص از تعلیم است؛ زیرا تدریس غالباً به تعلیمی اطلاق می‌گردد که از روی کتاب و به وسیله قرائت آن انجام پذیرد.



۴.۴. یادگیری

به مفهوم کسب دانش و مهارت‌ها و تغییر رفتار نسبتا پایدار است [۶]. یادگیری کاری نیست که یکبار صورت گیرد [۱۹]. آنچه مسلم است باید در برنامه‌ریزی، واقعیت وجود این موانع و محدودیت‌ها را شناخت و با توجه به آن‌ها، محدوده امکانات و مقدرات را مشخص ساخت. کلاس بانشاط یادگیری بهتری را به دنبال دارد، ثبات یادگیری را ملال‌آور می‌سازد. تنوع و شادابی لازمه کلاس درس است. فضای شاد و مفرح در کلاس سبب می‌شود تا فراگیران با روحیه‌ای قوی و با طراوت برای یادگیری هرچه بهتر اهتمام نمایند [۱۷].

۵.۴. خلاقیت

کلی‌ترین تعریف خلاقیت، آفریدن چیزی نو می‌باشد. برخی محققین و تئوری پردازان، خلاقیت را با توجه به ویژگی‌های (فرد) تعریف می‌کنند. هم‌چنین روان شناسان شناختی تحقیقات خود را بر فرایند تفکر متمرکز نموده‌اند. برخی خلاقیت را با توجه به محصول تعریف می‌کنند مانند: " خلاقیت عبارت است از شکل دادن و ارائه ایده جدید و مفید توسط فرد یا گروه کوچکی از افراد که با هم کار می‌کنند و یا خلاقیت شکل گرفتن ایده یا محصولی که هم نو و هم مناسب (صحیح، مفید و با ارزش) باشد تلقی می‌شود [۲].

۶.۴. نوآوری

دراگر نوآوری سیستماتیک را جستجوی هدفمند و سازمان‌یافته برای تغییر تلقی می‌کند. هم‌چنین کنتز در تعریف خود از نوآوری بر فرایند آن تأکید کرده و نوآوری را فرایند گردآوری هر نوع ایده جدید و مفید برای حل مسئله می‌خواند و معتقد است که نوآوری شامل شکل گرفتن ایده، پذیرش و اجرای ایده‌های جدید در فرایند، محصولات و خدمات است.

۷.۴. الگوی تدریس

الگو معمولا به نمونه کوچکی از یک شیء بزرگ یا مجموعه‌ای محدود از اشیای بی شمار گفته می‌شود که ویژگی‌های مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیای را داشته باشد. الگوی تدریس چهارچوب ویژه‌ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است و شناخت و آگاهی از عناصر و عوامل مذکور می‌تواند معلم را در اتخاذ روش‌های مناسب تدریس کمک کند [۱۳].

۵. تقسیم‌بندی روش‌های تدریس

روش‌های تاریخی: در این روش فراگیر موجودی انفعالی است و معلّم به‌عنوان انتقال‌دهنده‌ی اطلاعات، مسئولیت اصلی آموزش را بر عهده دارد. او تلاش می‌کند ذهن فراگیران را با انبوهی از مفاهیم، اصول و اصطلاحات درس‌ها انباشته سازد و به این ترتیب رفتار آن‌ها را نسبت به قبل تغییر دهد. در این نوع روش تدریس، برنامه‌ی درسی غیرقابل انعطاف است و معلّم و فراگیر به اجبار از محتوای مشخصی استفاده می‌کنند. معلّم تصور می‌کند که عامل اصلی تدریس، خود اوست و به‌عنوان گنجینه‌ی معلومات در برابر فراگیران ظاهر می‌شود. شاید به همین دلیل، به این‌گونه الگوها و روش‌ها، روش‌های معلّم محور نیز می‌گویند.

روش‌های نوین: در این الگو فراگیر و علایق و توانمندی‌های او در مرکز توجه قرار دارد و معلّم تلاش می‌کند تا توانایی فراگیران را تقویت کند. معلّم هنگام تدریس از وسایل و امکانات آموزشی زیادی استفاده می‌کند و یادگیری مؤثر را از طریق تمرین‌ها و فعالیت‌های متنوع به عهده‌ی فراگیران می‌گذارد و آنان را در تحقق اهداف و یادگیری مفاهیم درس دخالت می‌دهد. معلّم، راهنما و هدایت‌کننده‌ای است که پا به پای فراگیر مسیر آموزشی را طی می‌کند و به او کمک می‌کند تا درس را به‌طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد [۱۶].

چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس:

۱. وجود تعامل بین معلم و دانش‌آموزان

۲. فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین‌شده

۳. طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات

۴. ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری [۱۵]



در این مقاله هشت روش تدریس معرفی شده است و در کنار آن اصول و قواعدی برای افزایش اثر بخشی آن‌ها در کلاس درس ذکر شده است. البته، این نکته هم قابل تأکید است که کاربرد هر کدام از روش‌های معرفی شده بسته به امکانات کلاس و تشخیص معلم است. این روش‌ها عبارتند از:

۱.۵. روش تدریس بارش مغزی

یکی از جدیدترین روش‌های تدریس مشارکتی است که به دلایل شرایط و فواید منحصر به فرد آن نه تنها در مدارس بلکه در جلسات مدیریتی نهادها نیز استفاده از آن متداول شده است. این روش توسط الکس اسبورن (۱۹۹۸ میلادی) برای حل مشکلات مدیریتی معرفی شد و امروزه از آن به‌عنوان یک روش تدریس کلاسی نیز یاد می‌شود. در تعریف این روش چنین آمده است: تکنیک برگزاری یک کنفرانس که در آن سعی گروه بر این است تا راه حل مشخصی را بیابند، در این روش نظرات در جمع‌بندی بدون کم و کاستی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پس در این روش دو اصل به‌عنوان پایه مطرح می‌شوند:

۱. تنوع نظرات که باعث فعال شدن قسمت خلاق ذهن می‌شود.
۲. بالا رفتن کمیت باعث بالا بردن کیفیت می‌شود.

۲.۵. روش تدریس بدیعه پردازی

یکی از روش‌های نوین تدریس است که تأکید زیادی بر پرورش خلاقیت در گروه دارد. گوردون از بنیان‌گذاران این روش است که با طرح نظریات جدید در مورد خلاقیت اعتقادات سنتی در مورد آن، آن را قابل یاد دادن و یاد گرفتن معرفی کرد. او همچنین عنوان داشت که فعالیت‌های گروهی از بهترین راه‌های پرورش خلاقیت است. از جمله شیوه‌های تدریس فعال که بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان مبتنی است، روش تدریس بدیعه‌پردازی است. هنگامی که این روش پیشنهاد شد، یادگیری از طریق توسعه خلاقیت و بر پایه تفکر نوآورانه کودکان و نوجوانان مورد نظر بود. از جمله مقاصد اساسی بدیعه‌پردازی، شکستن سد قواعد مرسوم و ایجاد راه‌های جدید برای حل مسائل در ذهن دانش‌آموز است که از این طریق پایداری و تعمیق یادگیری نیز حاصل می‌شود. در این شیوه، در مراحل پنجگانه، معلم تلاش می‌کند دانش‌آموزان را از طریق تفکر بیشتر درباره موضوع درس، به شیوه‌های نوین درگیر مفهوم کند تا از دریچه‌های گوناگون به آن بیندیشند.

۳.۵. روش تدریس حل مسئله

این روش یکی از روش‌های مشارکتی در تدریس است که کاربرد زیادی دارد. گرچه برخی این روش تدریس را بیشتر با الگوی انفرادی سازگار دانسته‌اند، ولی تجربه نشان می‌دهد که کاربرد این روش به‌صورت گروهی موثرتر از الگوی انفرادی آن است [۴]. در تعریف روش حل مسئله چنین آورده اند حل مسئله فرآیندی است برای کشف، توالی و ترتیب راه‌هایی که به یک هدف یا یک راه حل منتهی می‌شوند. "پس باید توجه داشت که در فرایند حل مسئله فقط جواب اهمیت ندارد بلکه فرایند رسیدن به آن نیز مورد توجه است. در این روش تدریس به دو مورد باید توجه زیاد شود:

۱. تجارب قبلی دانش‌آموزان و ایجاد شرایطی برای فراخوان آن‌ها
۲. رسیدن به راه حلی که قبلاً برای فرد ناشناخته بوده است.

۴.۵. روش تدریس غیرمستقیم - مشاوره‌ای

یادگیری از طریق مشاوره را یادگیری به شیوه غیرمستقیم هم نامیده‌اند. از این رو، یادگیری از طریق مشاوره به‌مثابه یک روش تدریس - یادگیری تلقی می‌شود که اندیشه‌های کارل راجرز به‌عنوان بنیان‌گذار روش مشاوره‌ای ویژه، رهنمودهای بسیار اثرگذاری برای یادگیری می‌نمایند و آنچه در فلسفه و تکنیک‌های مشاوره‌ای راجرز آمده است، الگوی تدریس غیر مستقیم را که خانواده در الگوهای تدریس قرار می‌گیرد پوشش داده و پشتیبانی می‌کند. یکی از مهم‌ترین کاربردهای الگوی تدریس یادگیری مشاوره‌ای یا غیر مستقیم زمانی است که کلاس بسیار "راکد" است و معلم تلاش می‌کند دانش‌آموزان را به هر قیمتی شده از طریق دادن تمرین و عرضه مطالب درسی به حرکت در آورد. الگوی تدریس یادگیری مشاوره‌ای یا غیر مستقیم بر روابط دوستانه بین معلم و یادگیرنده تأکید می‌ورزد. در الگوی تدریس - یادگیری مشاوره/ غیر مستقیم تلاش معلم صرف آن می‌شود که یادگیرندگان را یاری کند تا خود نقش اصلی را در هدایت آموزش و پرورش



آن‌ها ایفا کند. در کلاس درس معلم به‌مثابه یک تسهیل‌گر و مدیر یادگیری می‌کوشد اطلاعات زمینه‌ای عرضه کند تا یادگیرندگان خود به حل مسئله بپردازند.

۵.۵. روش تدریس ایفای نقش

ایفای نقش، روشی است که می‌تواند برای تجسم عینی موضوعات و درس‌هایی که برای نمایش مناسب باشند، به کار رود. در این روش، فرد یا افرادی از دانش‌آموزان، موضوعی را به‌صورت نمایش کوتاه اجرا می‌کنند [۱۶]. ایفای نقش، به معنایی که در اینجا به کار می‌رود، به مهارت‌های خاص هنری مثل بازیگری در تئاتر و سینما نیازی ندارد، بلکه معلم بنا به موقعیت، هدف و موضوع مورد نظر، به‌عنوان یک روش از آن استفاده می‌کند [۱۳] تا موجب تکوین شخصیت فردی و اجتماعی فراگیران گردد. اگر دانش‌آموزان مهارت‌های زندگی کردن را کسب کنند، در تمام شئون زندگی با موفقیت بیشتری زندگی می‌کنند [۱۸]. در این روش، دانش‌آموزان بر اساس علایق خویش، نقش‌های مورد نظر را انتخاب می‌کنند و با نظارت معلم و همکاری همکلاسان، به ایفای نقش می‌پردازند. از این طریق، آموزش قوانین و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بهتر انجام می‌شود و به یادگیری مؤثر و کارآمد می‌انجامد، زیرا دانش‌آموزان ضمن شناخت هنجارهای اجتماعی، به تحلیل آن‌ها می‌پردازند و در حین ایفای نقش، نگرش خود را تثبیت می‌کنند و نوعی ارتباط عاطفی و انسانی با دیگران برقرار می‌سازد [۱۸].

ایفای نقش به‌مثابه یک روش تدریس ریشه در دو بعد شخصی و اجتماعی فرد دارد این روش تدریس یادگیرندگان را در تحلیل موقعیت‌های اجتماعی به‌صورت همیار و مشترک فعال می‌سازد [۱]. این روش تدریس موجب می‌شود که فراگیران احساسات خود را بروز دهند؛ از بینش خود در نگرش‌ها و برداشت‌ها سود جویند، نگرش‌ها و مهارت‌های حل مسائل را گسترش دهند و مواد درسی را از طریق گوناگون بررسی کنند. این روش موجب رشد همدلی با دیگران و بررسی مسائل و واقعیت‌ها و از ارزش‌های اجتماعی در عمل است و افتتاح باب گفتگو درباره ارزش‌ها و چگونگی اثر آن‌ها در زندگی روزانه است [۸].

۶.۵. روش تدریس گردش علمی

امروزه کلاس درس و مدرسه تنها مکان آموزشی نیستند، بلکه محیط خارج کلاس و مدرسه نیز می‌توانند به‌عنوان یک مکان آموزشی مورد استفاده قرار گیرند. فضلی خانی (۱۳۸۲) نیز معتقد است؛ انتظار جامعه‌ی کنونی این است که دانش‌آموزان بخش اعظم تجارب و اطلاعات خویش را از محیط‌های خارج از مدرسه به دست آورند، زیرا به سبب محدودیت‌های آموزش رسمی مدرسه‌ای، امکان تجربه‌ی دست اول و شخصی برای فراگیران در مدارس وجود ندارد و معلم، با بیرون بردن دانش‌آموزان به خارج از کلاس و مدرسه می‌تواند خوشه‌چین اطلاعات و علوم زمان را در دسترس آنان قرار دهد. گردش علمی به دانش‌آموزان امکان می‌دهد که از طریق مشاهده طبیعت، وقایع، فعالیت‌ها، اشیاء و مردم، تجربه علمی به دست آورند [۸]. گردش علمی یا فعالیت تجربی خارج از مدرسه کاری است عملی که بیرون از کلاس، آزمایشگاه یا کتابخانه صورت می‌گیرد و شامل مطالعات مستقیم و دست اول درباره یک مسئله، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه، اندازه‌گیری، نمونه‌برداری و سایر فنون تحقیقات می‌باشد و از این طریق در مورد اعتبار فرضیه‌ها، تشخیص تغییرات یا درستی و صحت شرایط و موقعیت‌ها اطمینان حاصل می‌شود [۱۶]. فضای آزاد و بدون سقف، بهترین آزمایشگاه طبیعی برای دانش‌آموزان است. به‌طور کلی، گردش علمی می‌تواند شامل دیدار از یک شهر، موزه، نمایشگاه، کارخانه، مزرعه و... باشد. در این روش، معلم با بردن فراگیران به جاهایی نظیر پارک، موزه، باغ وحش و امثال این‌ها، آنان را با مفاهیم واقعی و عینی اهداف یادگیری مطرح‌شده در مدرسه و کلاس آشنا می‌سازد [۲۱].

گردش علمی حتماً دپدار از نقاط دور دست نیست، بلکه مشاهده محیط اطراف دانش‌آموز که امکان کسب تجارب آموزشی و علمی را برای او فراهم می‌کند را نیز می‌توان گردش علمی محسوب نمود.

۷.۵. روش تدریس مبتنی بر کاوشگری

روش تدریس کاوشگری را ریچارد ساچمن برای آموزش فرآیند جست و جو و توضیح پدیده‌ها تدوین کرد. الگویی که ساچمن تدوین کرده است، دانش‌آموزان را با فرآیندهایی درگیر می‌سازد که محققان از آن‌ها برای سازمان‌دهی دانش و پدیدآوری "اصول" استفاده می‌کنند. روش تدریس کاوشگری، به منظور رویارو ساختن مستقیم دانش‌آموزان با فرآیندهای علمی تدوین گشت. این روش بر مبنای این باور بود که باید یادگیرنده را مستقل بار آورد، پدید آمده است. کاربرد این روش، مستلزم فعالیت به‌صورت کاوشگری علمی است.



هدف عام روش تدریس کاوشگری کمک به پدیدآیی انضباط ذهنی و مهارت‌های لازم برای سؤال پرسیدن و پاسخگویی به سؤال‌هایشان است. روش آموزش کاوشگری با ارائه یک مفهوم نسبتاً پیچیده آغاز می‌شود. اساس نظریه ساچمن درباره روش تدریس کاوشگری به ترتیب زیر است:

۱. دانش‌آموزان، آنگاه که با مسئله‌ای روبرو می‌شوند به کاوش دست می‌زنند.
 ۲. آنان می‌توانند راهبردهای تفکر را یاد بگیرند و از نقش آن‌ها در فرایند کاوشگری آگاه گردند.
 ۳. راهبردهای تفکری را می‌توان به‌طور مستقیم به دانش‌آموزان آموخت.
 ۴. کاوشگری از طریق همیاری بر غنای تفکر می‌افزاید و دانش‌آموزان را یاری می‌کند تا درباره ماهیت روش‌ها اندیشه کنند.
- در فرآیند تدریس به شیوه کاوشگری باید مفاهیم را به نحوی ارائه کرد که دانش‌آموزان نتوانند نسبت به مفهوم بی‌تفاوت باشند. دانش‌آموزان پس از روبرو شدن با مسئله، از معلم می‌پرسند. پاسخ‌های معلم باید بیشتر، "بله" یا "خیر" باشد. در این حالت، ضروری است که به دانش‌آموزان گفته شود که از معلم توضیح مفاهیم را نخواهند، بلکه در درجه اول در جستجوی اطلاعات و سازمان‌دهی آن‌ها باشند.

۸.۵. روش تدریس آموزش به وسیله رایانه

برخی از متخصصان آموزشی، یادگیری را "سازندگی" و "ساختن" می‌نامند و ابزارها و فعالیت‌هایی را در تدریس انتخاب می‌کنند که انواع فرصت‌ها را برای ساختن علم و معرفت در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. پولن (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند که متخصصان آموزشی هنگام انتخاب ابزارها باید به ویژگی‌هایی توجه کنند؛ ابزار وسیله‌ای به کار گرفته شود که کل یادگیری را تشویق و حمایت کند و از ابزارهایی استفاده شود که بعضی از مشکلات را کاهش دهد به یادگیری بخش‌هایی که یادگیرنده به تنهایی قادر به انجام دادن آن نیست کمک می‌کند. فناوری‌های الکترونیکی جزء لاینفک روش‌های یادگیری بر اساس دیدگاه "ساختگرایی" می‌باشد و به‌عنوان عامل مهم تحولات در کلاس درسی که حیاتی‌ترین محل تغییر و تحول است، انجام وظیفه می‌کند [۹].

۶. بحث و نتیجه‌گیری

شیوه‌های نوین تدریس یک نوع نوآوری در عرصه آموزش و پرورش است که دبیران با استفاده از آن می‌توانند کیفیت تدریس خویش و همچنین سطح پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقاء داده و بدین ترتیب در تسریع و پیشبرد اهداف آموزش و پرورش یاری نمایند. یکی از هدف‌های آموزش و پرورش کنونی این است که فراگیران را یاری کند تا بتوانند از دانش خویش به‌طور مؤثر استفاده کنند و از آنجا که عمر هر رشته دانش بشری دائماً کوتاه‌تر گشته و قواعدی نوین مستمراً جای آن‌ها را می‌گیرند، لذا فراگیران بایستی به دانش و مهارت‌های فراگیری مجهز باشند تا هیچ‌گاه در تنگنا قرار نگیرند. تدریس یکی از ابزارهای مهم یادگیری است که با به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس می‌توان یادگیری را تسهیل نمود. البته هیچ‌یک از روش‌های تدریس فی‌نفسه خوب یا بد نیستند، بلکه نحوه و شرایط استفاده از آن‌هاست که باعث قوت یا ضعفشان می‌شود. لذا معلم باید با توجه به هدف‌های آموزشی، محتوای تدریس، نیازها و علایق دانش‌آموزان، امکانات موجود (زمان، فضا، وسایل و...)، تراکم دانش‌آموزی و... مناسب‌ترین شیوه را برای یک تدریس مطلوب انتخاب کند. علمان سربازان خط اول جبهه تربیت هستند و ضرورت دارد که با مدرن‌ترین سلاح‌های علمی روز یعنی روش‌های مختلف نوین و فعال تدریس آشنا باشند و بدانند در کدامین موقعیت آموزشی از کدامین روش استفاده نمایند. امید است که معلمان در به‌کارگیری مناسب و مفید روش‌های نوین تدریس بتوانند به تعالی تربیت شوندگان کمک ویژه نمایند و آینده‌ی هرچه روشن‌تری را رقم زنند.

معلم آگاه ضمن بهره‌گیری از روش‌های مختلف تلاش می‌کند که اراده و اختیار شاگرد را به رسمیت شناخته و او را مسئول یادگیری می‌داند که این شیوه مبتنی بر بهره‌گیری از روش‌های فعال تدریس است که به دانش‌آموزان مسئولیت می‌بخشد، بر سر راه روش تدریس فعال موانع و چالش‌هایی وجود دارد که مسئولان ذی‌ربط می‌بایست به آن عنایت نمایند که از جمله می‌توان به مواردی چون محتوای درسی و صلاحیت و توانایی معلمان و گرایش و نگرش‌های اجتماعی، امکانات آموزشی اشاره کرد. بر صاحب‌نظران پوشیده نیست که پویایی روش‌های گوناگون آموزشی و اتکای آن بر پایه‌های استوار علمی و حساب‌شده، در جریان رشد یادگیری و ارتقای سطح فراگیری دانش‌آموختگان، تأثیر عمده دارد و این مسئله نیازمند تلاش متخصصان و کارشناسان این حوزه در تدوین و طراحی و به‌کارگیری شیوه‌های نوین است. امروزه هر فرد بشر ناچار از استفاده یافته‌های جدید است. از آنجا که در مدارس ما نیز دانش‌آموزان برای آینده تربیت می‌شوند و هر ساله مطالب و محتوای کتاب‌ها نیز تغییر می‌یابد این ضرورت یعنی استفاده از شیوه‌های نو، جدید و کارا بسیار



احساس می‌شود. یکی از مشکلات مهم و اساسی در نظام آموزش و پرورش خصوصا در کشور ما، به کار نرفتن روش‌های تدریس نوین در آموزش است. آشنایی با روش‌های مختلف تدریس می‌تواند زمینه‌ای جهت بر خورد متقابل و منطقی با دانش‌آموزان از یک مجرای ارتباطی صحیح مهیا کند به طوری که همواره تفکر منطقی داشته باشد.

منابع

- [۱] احمدی، آمنه، ۱۳۸۵. برنامه‌ی درسی متمرکز یا غیرمتمرکز. رشد معلم، ۱۴: ۲۵.
- [۲] آقازاده، محرم، ۱۳۸۸. راهنمای روش‌های نوین تدریس، تهران: انتشارات آیش.
- [۳] بیابان‌گرد، اسماعیل، روش‌های پیش‌گیری از افت تحصیلی، تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
- [۴] پارسونز، ریچارد، استفان لوئیس، هینسون و دیبورا ساردو براون، ۱۳۸۵. روانشناسی تربیتی: تحقیق، تدریس، یادگیری، ترجمه اسدزاده، حسن؛ اسکندری، حسین، تهران: انتشارات عابد.
- [۵] پاکپور، یونس، زمینه تکنولوژی آموزشی، تهران: نشر دیدار، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- [۶] تقی پور ظهیر، علی، برنامه‌ریزی درسی برای مدارس ابتدایی در هزاره سوم، تهران: نشر آگه، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
- [۷] تقی پور کلور، الهام، ۱۳۸۰. شناسایی رویکرد غالب برنامه درسی معلمان مدارس ابتدایی منطقه شهر قدس شهریار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- [۸] خورشیدی، عباس، ۱۳۸۱. روش‌ها و فنون تدریس. تهران: بسطرون
- [۹] ذوفن، شهناز، ۱۳۸۶. کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش، تهران: انتشارات سمت.
- [۱۰] رحال زاده، رضا، روش‌های برتر تدریس با تاکید بر انواع طراحی آموزشی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- [۱۱] رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه امام علی (علیه‌السلام)، تهران: نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- [۱۲] شعاری نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی تربیت و تدریس، تهران: نشر اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- [۱۳] شعبانی، حسن، ۱۳۷۱. مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، تهران: انتشارات سمت.
- [۱۴] شعبانی ورکی، ۱۳۸۱. بررسی میزان آشنایی معلمان دوره ابتدایی با نظریه‌های یادگیری و به‌کارگیری آن‌ها در فرایند تدریس، پایانه نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
- [۱۵] شعبانی، حسن، ۱۳۸۲. مهارت‌های آموزشی، تهران: انتشارات سمت.
- [۱۶] صفوی، امان‌الله، ۱۳۷۰. کلیات روش‌ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات معاصر.
- [۱۷] فرخ مهر، حسین، چگونگی یاددهی-یادگیری اثربخش، اصفهان: نشر نوشته، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- [۱۸] فضلی خانی، منوچهر، ۱۳۸۲. راهنمای عملی روش مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، تهران: انتشارات آزمون نوین.
- [۱۹] فیوضات، یحیی، مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: نشر ویرایش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۰.
- [۲۰] قاسم پور مقدم، حسین؛ زندی، بهمن و بخشش، مریم، ۱۳۸۷. بررسی مقایسه‌ای برنامه درسی آموزش زبان ملی ایران و امریکا در دوره ابتدایی. مطالعات برنامه درسی، ۳(۸)، ۱-۲۲.
- [۲۱] قورچیان، نادرقلی و دیگران، ۱۳۷۷. نظریه‌های یادگیری و نظریه فراشناخت در فرآیند یاددهی-یادگیری، تهران: انتشارات تربیت.
- [۲۲] مشایخ، فریده، دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: نشر سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۲.
- [۲۳] ملکی، حسن، برنامه‌های درسی و پرورش تفکر، تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- [۲۴] موسوی زاده، احترام. علیشیری، سعید، ۱۳۹۵. روش‌های تدریس و نقش آن در تحول بنیادین آموزش و پرورش. چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. سن پترزبورگ-روسیه. ۷ مرداد ۱۳۹۵.
- [۲۵] موسی پور، نعمت‌الله، ۱۳۸۲. تحولات برنامه درسی آموزش دینی دوره ابتدایی ایران. دوماهنامه دانشور رفتار، شماره ۳، ۶۹-۷۶.
- [۲۶] مهر محمدی، محمود، باز اندیشی فرایند یاد دهی-یادگیری، تهران: نشر مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- [۲۷] مهر محمدی، محمود، ۱۳۸۷. تحلیلی بر سیاست کاهش تمرکز از برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران: ضرورت‌ها و فرصت‌ها، آموزش عالی ایران - شماره ۳، ۱-۱۸.

نشتمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



- [۲۸] مهرمحمدی، محمود، ۱۳۸۱. برنامه‌ی درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: به نشر (آستان قدس رضوی).
- [۲۹] میرزایی، محمد و ضرغامی، حسین، ۱۳۸۹. تحولات جمعیت شناختی آموزش ابتدایی ایران در سال‌های ۱۳۸۱-۳۳. بررسی‌های آمار رسمی ایران، شماره ۷۷، ۱۸۱-۲۱۳.
- [۳۰] ولش، توماس؛ مکگین، نوئل، ۱۳۸۲. تمرکززدایی در آموزش چرا، چه موقع، چه چیز و چگونه. ترجمه‌ی عبدالعظیم حکیمی. تهران: پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.
- [۳۱] هاشمی، شهناز، ۱۳۸۵. نقش ارتباط فردی و جمعی در اشاعه نوآوری‌ها در آموزش و پرورش، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم.
- [۳۲] یزدانی، جواد و حسنی، محمد، ۱۳۹۰. بررسی میزان انطباق اهداف راهنمای برنامه‌های درسی (دوره ابتدایی و راهنمایی) با اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش. مطالعات برنامه درسی، شماره ۲۰، ۵۸-۷۹.
- [33] Fullan, M. and Watson, N, 1999. School-based management: Reconceptualizing to improve learning outcomes. University of Toronto [www.oece.org /oeru/ documents/outcomes.pdf](http://www.oece.org/oeru/documents/outcomes.pdf).
- [34] Gazile, haim, 1998. School-based management as a factor in school effectiveness. *International Review of Education*, 319-333.